

هندلست

- ۱۳۸۷/ ای خانه مفهوم

Dictionar, E. F.

دیکشنری وک و مفهوم

گام به گام آن شناس دهه مفهومی ترسیمه تقعیل کار

حالا حالا وقت هست

تعریفی و تفسیری

۱۹۷

نمایش

۰-۴۰۰-۱۵۱-۲۶۰

بیان فرم

۱۵۰

بررسی شرعی

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

بررسی اخلاقی

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

آن شناس آن زندگی

All the time in which we are ourselves

زندگی ۱۱۰۲

مجموعه داستان

دانشناس

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

ای. ال. دکتروف

مقدمه‌ی توینده

ویکیپدیا

ترجمه‌ی

بلوار احمدوت

و حیدر (وزبهانی، یگانه وصالی)

پدریز

والبریز - ۹۸۷-۱۵۱-۲۶۰

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

خانه‌ی در درست

دانستان زندگی جوانی www.dastan-e-zindagi.paq.com



نوینده‌ی خانواده (آن شناس دهه مفهومی) ترسیمه تقعیل کار

ویسی

دانشناس

۰-۷۸۷

شکارچی

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

نمایه رفعات

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

حالا حالا وقت هست

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

و حیله نهاد

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

و حیله لبی دیدار احتمال

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

و حیله پادشاه

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰



دانشناس

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

آثار مروارید

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

۰-۷۸۷-۱۵۱-۲۶۰

فهرست

۵	مقدمه‌ی نویسنده
۹	ویکی‌بلد
۵۳	بلوار اجمونت
۷۳	پذیرش
۹۹	والتر جان هارمن
۱۳۳	خانه‌ای در دشت
۱۶۳	داستان زندگی جولین همان
۱۹۹	نویسنده‌ی خانواده
۲۱۷	ویلی
۲۲۹	شکارچی
۲۴۵	حال حالاها وقت هست
	من امس و صعیتی که شاهنشیت‌ها و قسای داستان به طرز غیرقابل تفسیری به آن مشتمل هستند داستان‌های کوتاه قاطع و نایقینگام هستند؛ لحن و فضایشان از پیش تعیین شده و تغییرناپذیر است. اصلًا این طور نیست که بخواهی طرح ریزی شان کنی. داستان‌ها سرzedه و بی دعوت می‌آیند و کتابپیش کامل، و حلوب می‌گندند تا همه‌چیز را کنار بگذاری و پیش از آنکه چونان روایابی

تغایر، گویی من وضع ذهنی خود را در زمان نگارشند این مسئله‌ی دلایلی داشته باشد که بجز
طبقه‌نامه‌ی ایرانی، که عراقلایعه بوجانه کاتکس ترقه‌زدن لتوایه‌دهنگان
پسته‌ی امداد و تجهیزات امنیتی آذینکلمه‌ی پسته‌ی امنیتی اینها همچنان‌با این امر مالمو
قدیمی‌ترین طبقه‌نامه‌ی این پسته‌ی امنیتی است که تغییراتی نداشت اینها همچنان‌که
تسهیل‌نخواهد شد.

و همچنان‌که ممکنه نوار ایجاد ملکه رحله‌نامه‌ی آرمی و پس ملکه زیر

مقدمه‌ی نویسنده

مقدمه‌ی نویسنده بعنوان «مقدمه‌ی نویسنده» و «مقدمه‌ی نویسنده»
لایکنسته ای می‌باشد؟ ملکه زیر ملکه زیر ملکه زیر ملکه زیر ملکه زیر ملکه زیر ملکه
بهمه‌ی ملکه زیر ملکه
ملکه زیر ملکه
رمان مانند تصویری خاطره‌انگیز گویی در ذهن آغاز می‌شود، چون
گفت و گویی کوتاه، قطعه‌ای موسیقی، رخدادی که در زندگی دیگری افتاده
و تو آن را خوانده‌ای و یا بهسان خشمی افسارگسیخته. لیکن در هر صورت
امری است که جهانی معنی دار می‌آفريند و نوشتن رمان به یک مکافسه
می‌ماند. می‌نویسی تا دریابی که چه می‌خواهی بنویسی و وقتی سرگرم
نوشتن هستی، جملات زایایی می‌یابند و درمی‌یابی رمان از پیش در همان
تصویر ذهنی نقل شده است؛ در همان قطعه گفت و گو ظهرور کرده و در
آفرینش خودش مشارکت می‌کند و به تو می‌گوید چه هست و چگونه باید
محقق شود.

لیکن برخلاف رمان، داستان کوتاه مانند یک وضعیت برایت پیش
می‌آید. وضعیتی که شخصیت‌ها و فضای داستان به طرز غیرقابل تغییری به آن
متصل هستند. داستان‌های کوتاه قاطع و ناپنهنگام هستند؛ لحن و فضایشان
از پیش تعیین شده و تغییرناپذیر است. اصلاً این طور نیست که بخواهی
طرح ریزی‌شان کنی. داستان‌ها سرزده و بی‌دعوت می‌آیند و کما بیش کامل،
و طلب می‌کنند تا همه‌چیز را کثار بگذاری و پیش از آنکه چونان رویایی